

نقش زن در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی

نوع مقاله: پژوهشی

مریم ابوطالبی پاریزی^۱/محمد خداوردی تاج‌آبادی^۲/ابراهیم خراسانی پاریزی^۳

چکیده

باستانی پاریزی در تاریخ‌نگاری، به‌ویژه در حوزه تاریخ اجتماعی، صاحب سبکی ویژه خود است. در تاریخ‌نگاری او چند زمینه مطالعاتی از اهمیت بسیاری برخوردارند، از جمله تاریخ اجتماعی، نقش زن در تاریخ، و تاریخ‌نگاری محلی. در اندیشه و نوشته‌های او تاریخ‌نگاری محلی، با تأکید بر کرمان و پاریز، جایگاه مهمی دارد و نقش زن در تاریخ حلقه واسط میان تاریخ‌نگاری محلی و تاریخ اجتماعی در آثار اوست که بررسی این موضوع هدف اصلی مقاله حاضر است. او جایگاه و نقش تاریخی زن را در مجموعه مقالات و کتاب‌های خود مانند «جای پای زن در تاریخ» و «گذار زن از گذار تاریخ کاملاً نشان داده است. بستر مطالعاتی او برای پرداختن به این موضوع تاریخ محلی است که او گاه پای را از کرمان فراتر می‌نهد و در جست‌وجوی شواهد تحقیقی همه تاریخ‌های محلی را مورد توجه قرار می‌دهد. باستانی پاریزی به جریان تاریخ‌نگاری معترض است که از مطالعه نقش زن غفلت کرده است. به همین دلیل می‌کوشد جایگاه زن را در تاریخ محلی و ملی تبیین کند.

واژگان کلیدی: زن، تاریخ‌نگاری، تاریخ محلی، کرمان، باستانی پاریزی، تاریخ اجتماعی.

The Role of Women in the Historiography of Bastani Parizi

Maryam Abutalebi Parizi⁴/Mohammad Khodaverdi Tajabadi⁵/Ebrahim Khorasani Parizi⁶

Abstract

Bastani Parizi, the Persian historian, had his own particular style in historiography, especially in the field of social history. In his historiography, several fields of study, including social history, the role of women in history, and local historiography, are of utmost importance. In his thought and writings, local historiography, with an emphasis on Kerman and his homeland Pariz, has a significant place. In Bastani Parizi's approach, the role of women in history – which is the aim of the present article – is the joining link between his local historiography and social history. He has demonstrated the women's historical role in his works, such as the collection of articles and books including Woman's footprint in History (Jay-e Pay-e Zan dar Tarikh) and Passage of the women from the Pass of History (Gozare-e Zan az Godar-e Tarikh). His studies on this matter are embedded in the context of local history in which he even expands his subject matter from Kerman to other places in the search of evidence. Bastani Parizi is opposed to the kind of historiography which has neglected to investigate the role of women in history. Accordingly, he attempts to illustrate the women's historical role in local and national history.

Keywords: Woman, Historiography, Local History, Kerman, Bastani Parizi, Social History.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت؛ مقاله حاضر برگرفته رساله دکتری خانم مریم ابوطالبی پاریزی با عنوان «بارخوانی و ارزیابی جایگاه زنان ایران در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی» می‌باشد.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

۳. استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

4. PhD student in History of Islamic Iran, Islamic Azad University, Baft; mparize@gmail.com.

5. Assistant Professor of History of Iran, Islamic Azad University, Baft Branch, Email: khodaverdi1358@gmail.com.

6. Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Baft Branch.

مقدمه

باستانی پاریزی در تاریخ‌نگاری به چند شاخصه علمی شهرت دارد که در آنها نقشی اثرگذار داشته است، از جمله: الف) توجه به تاریخ اجتماعی و اقتصادی با تأکید بر اقتصاد محلی؛ ب) توجه به تاریخ محلی با تأکید بر کرمان و زادگاهش پاریز سیرجان؛ ج) تمرکز بر نقش زن در تاریخ و د) کاربرد ادبیات در تاریخ. از بین اینها، اما باستانی پاریزی، چنانکه در اثر معروفش به نام *جای پای زن در تاریخ می‌بینیم*، حلقه‌های واسط را در میان زیرمجموعه‌های تاریخ‌نگاری ایجاد کرده است. او در تاریخ‌نگاری اجتماعی خویش بر آن است تا زنان را از نیمه پنهان تاریخ به روشنای آن بیاورد و نقش پرده‌نشینان را در تاریخ نشان دهد. با آنکه زنانی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند و همواره تأثیر زیادی بر تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی داشته‌اند، کمتر مورد توجه مورخان و نویسندگان قرار گرفته‌اند. البته توجه به جایگاه زن در تاریخ و یا به گفته باستانی پاریزی بررسی «جای پای زن در تاریخ» به معنای تسلط نگاه جنسیتی بر تاریخ‌نگاری نیست، بلکه این دیدگاه می‌تواند افق‌های نوینی را بر پژوهش‌های تاریخی بگشاید.

باستانی پاریزی از جمله مورخان است که تاریخ را از نگرش تک‌بعدی با خوانش مردانه آن خارج و بر نقش زنان در تاریخ تأکید کرد و با بیان ویژه خود آن را به رشته تحریر درآورد، به گونه‌ای که هیچ یک از آثار وی را خالی از توجه به نقش زن در تاریخ نمی‌بینیم. او حتی در نخستین نوشته‌اش با عنوان «تقصیر با مردان است، نه زن‌ها» در سال ۱۳۲۱، در *نشریه بیداری کرمان*، به موضوع زن اشاره دارد و مشخص است که از همان آغاز جوانی در کنار بررسی تاریخ کرمان، به این موضوع نیز توجه داشته است.

مهم‌ترین دستاوردهای پژوهشی باستانی پاریزی درباره جایگاه و نقش زن در تاریخ دو کتاب *گذار زن از گذار تاریخ و خاتون هفت‌قلعه هستند*^۱ که همانند بسیاری از آثار او مجموعه‌ای از مقالات مفصل تحقیقی‌اند که با عناوین گوناگون در نشریات منتشر و بعد در قالب کتاب به همراه مطالب جدیدی بازنشر شده‌اند. این دو اثر نیز بنا به سبک ویژه باستانی پاریزی آمیخته با شواهد تاریخی، طنز و روایت‌های عامه‌پسند و به نقش زنان در خانواده می‌پردازند، البته نه نقش‌های خانهداری، همسرداری و فرزندآوری و تربیت کودکان و امور منزل. بلکه، فراتر از این، درباره حضور ایشان در تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه سخن می‌گویند. باستانی پاریزی با نگاهی منصفانه به زنان، تأثیرات آنها را بازتاب می‌دهد. تحقیقات و تتبعات وی اطلاعات مهمی را از جایگاه زنان در تاریخ در اختیار پژوهشگران می‌گذارد.

۱. مهم‌ترین اثر باستانی پاریزی با عنوان *خاتون هفت‌قلعه* به پیوند میان نقش زنان و دختران با اساطیر ایرانی و از جمله آن‌ها، ایزد آب و باروری، می‌پردازد، و بیشتر در جامعه دانشگاهی و در میان مردم مورد توجه قرار گرفته است. پدram جم، «دختری درون قلعه است: قلعه‌دخترها و داستان‌هایشان»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۷، ش ۲۶ (خرداد و تیر ۱۳۹۸)، ص ۱۳۰-۱۳۱.

در این مقاله نقش و جایگاه زن در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی مورد توجه قرار گرفته است که با استفاده از روش تحقیق تاریخی تبیین و بررسی می‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش بررسی چرایی و چگونگی جایگاه زن در اندیشه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی است. در ذیل این پرسش، پرسش‌های دیگری نیز مطرح است: زن در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی که به رویکردهای اجتماعی، محلی محور و ادیبانه آراسته است، چه جایگاهی دارد؟ آیا باستانی پاریزی صرفاً بر تاریخ محلی تأکید داشته یا تاریخ ملی را هم مورد توجه قرار داده است؟ به عبارت دیگر، آیا او زن را صرفاً در عرصه جغرافیای تاریخی کرمان بررسی کرده یا نقش او را در همه ساحت‌ها و گستره‌های محلی، ملی و جهانی در نظر داشته است؟

ادبیات تحقیق

خوشبختانه درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی تاکنون پژوهش‌های قابل تأمل و پرشماری منتشر شده و از این نظر او در شمار مورخان است که مورد توجه نگاه انتقادی پژوهشگران هم‌عصر خویش و یا پس از خود قرار گرفته است. از زمانی که شادروان عباس زریاب‌خویی در هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی-کرمان (۱۳۵۶) خطابه‌ای تحلیلی و فلسفی در باب تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی ایراد کرد،^۱ رویکرد تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی اهمیت بسیاری یافت. سیمین فصیحی در کتاب *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*^۲ تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را بررسی کرده است. پس از او محققان دیگری مانند عبدالرسول خیراندیش در مقاله «نقد و نظر درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»^۳ و حسن باستانی‌راد در مقالاتی مانند «مکتب تاریخ‌نگاری کرمان» و «باستانی پاریزی، محمدابراهیم»^۴ تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را از زوایای گوناگون مطالعه کرده‌اند. این پژوهشگران بیشتر با رویکردی نقادانه به بررسی وجوه گوناگون تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی پرداخته و اشاره روشنی به جایگاه زن در مطالعات او نداشته‌اند. پژوهش‌ها درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی پس از درگذشت ایشان بسیار بیشتر شد که از آن میان می‌شود به مجموعه مقالات شاعر تاریخ به کوشش و خواستاری فرزندان او حمید و حمیده باستانی پاریزی، مجموعه مقالات *از پاریز تا پردیس* به کوشش حسن زندیه، و *زندگی‌نامه و خدمات علمی و*

۱. عباس زریاب‌خویی، «گذشته مقدمه حال است»، سی گفتار درباره کرمان: هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی-کرمان، ۱۳۵۶، به نقل از محمدابراهیم باستانی پاریزی، *حماسه کویر* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۲)، ص ۳۲-۳۶.

۲. سیمین فصیحی، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی* (تهران: نشر نوند، ۱۳۷۲)، ص ۲۷۹-۲۴۹.

۳. عبدالرسول خیراندیش، «نقد و نظر درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا* (دی‌ماه ۱۳۸۲)، ص ۳۷-۴۳.

۴. حسن باستانی‌راد، «مکتب تاریخ‌نگاری کرمان»، پژوهشگران فرهنگ، س ۳، ش ۹-۱۰ (زمستان ۱۳۸۳): «باستانی پاریزی، محمدابراهیم»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی* (تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۷)، ص ۹۲-۹۴؛ و نیز «باستانی پاریزی وارث والاتبیار بیبقی»، *حافظ*، ش ۲۳، ص ۳۱-۳۲؛ «از کت و سُمبه‌های پاریز تا گذرهای پت و پهن تاریخ»، *فرهنگ امروز*، س ۳، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۹۵)، ص ۹۸-۱۰۰.

فرهنگی... باستانی پاریزی به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اشاره کرد. در جرایدی مانند *شرق و اطلاعات* نیز چند ویژه‌نامه به او اختصاص داده شد و محققان ادبیات و تاریخ گاه به صورت پراکنده جستارهایی در باب او منتشر کردند. اما در همه این آثار به‌ندرت به نقش تاریخی زن از دیدگاه باستانی پاریزی اشاره شده است. از نگاهی دیگر، برخی از محققان گرچه جایگاه زن را در تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند،^۱ بر پژوهش‌های باستانی پاریزی در این باره، به‌عنوان بخشی از تاریخ اجتماعی ایران، تمرکز نکرده‌اند. در سال‌های اخیر حوزه‌های گوناگون فکری و تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی موضوع برخی از پژوهش‌های دانشجویی قرار گرفته است.^۲

با این همه باستانی پاریزی را باید مهم‌ترین منتقد تاریخ‌نگاری خود دانست. او در مجموعه مقالات «خودمشت‌مالی» (۱۳۵۰) که بعدها به صورت کتاب منتشر شد، ضمن آنکه به بهترین وجه در مقام «خودنقدی» برآمده، درباره عرصه‌های تاریخ‌نگاری خویش نظریات انتقادی داده است. «دید نکته‌سنج و قلم نکته‌پرداز نویسنده در بیان حوادث تاریخی که از ویژگی‌های بارز نثر ایشان است، در این کتاب [خودمشت‌مالی] باعث شده است به موشکافی اصول تاریخ‌نگاری بپردازد... و خویشتن را به نقد گذاشته و با مایه گذاشتن از خویش تلاش نموده است... خودنقدی کند.»^۳

این رویکرد «خودنقدی» باستانی پاریزی در مطالعات او درباره جایگاه زن در تاریخ و همچنین در مجموعه مقالات «جای پای زن در تاریخ» و کتاب *گذار زن از گذار تاریخ*^۴ مغفول مانده است. انتقاد مهمی که محققان درباره آرای او در این خصوص طرح می‌کنند این است که او برای نشان دادن جای پای زن در رویدادهای تاریخی ادله کافی به دست نمی‌دهد.

نکته دیگر آنکه توجه به تاریخ زنان و نقش ایشان در تاریخ و تحولات فرهنگی و تمدنی ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با استقبال پژوهشگران مواجه شده است. در اینجا مجال پرداختن به این موضوع نیست، اما این نکته مهم است که باستانی پاریزی را می‌توان یکی از پیشگامان حوزه تاریخ‌نگاری زنان در ایران دانست.

۱. حسین عزیزی، «جایگاه علمی زنان در تاریخ‌نگاری مسلمین»، پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، ش ۲۵ (بهار ۱۳۹۴)، ص ۱۰۲-۸۵.

۲. از نظر موضوعی، نزدیک‌ترین مقاله به پژوهش حاضر مقاله‌ای در دست انتشار است با عنوان «تاریخ‌نگاری زنان در آثار باستانی پاریزی» (نوشته شکوفه بخشایی شهراباکی، علیرضا ابطی، احمد کامرانی فر و ابوالفضل حسن‌آبادی) که چکیده آن در تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۰ در سامانه نشریه مطالعات ایرانی قرار گرفته است:

https://jis.uk.ac.ir/article_3015.html

۳. حسن باستانی‌راد، «تأملی در خودمشت‌مالی»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا* (مهرماه ۱۳۸۱)، ص ۹-۱۲.

۴. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *گذار زن از گذار تاریخ* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۴)، ص ۴۰۵.

تاریخ‌نگاری باستانی پارسی

برای ردیابی جایگاه زن در اندیشه تاریخ‌نگاری باستانی پارسی (۱۳۰۴-۱۳۹۳)، مورخ، ادیب، شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه تهران، نخست باید نگاهی اجمالی به تاریخ‌نگاری او بیندازیم، موضوعی که مورد توجه محققان و نیز خود باستانی پارسی بوده است. قلم و اندیشه باستانی پارسی، گذشته از شعر، در سه بُعد کلی تبلور یافته است: «روزنامه‌نگاری، تاریخ‌نگاری و تصحیح نسخه‌های خطی... انتشار مقاله‌های تاریخی و ادبی در روزنامه‌ها و مجله‌ها را می‌توان نخستین علاقه او به نویسندگی دانست که از نوجوانی تا پایان عمر همواره به آن پایبند بود و سیر زندگی علمی او را تعیین کرد.»^۱ «این شوق به نوشتن طبعاً به جراید منتهی می‌شد.»^۲ از این رو، باستانی پارسی را باید جریده‌نگار، مصحح نسخه‌های خطی و مورخی جامع‌الاطراف دانست که در عرصه‌های گوناگون تاریخ، به‌ویژه تاریخ محلی، گام برداشته است.

سبک و اسلوب باستانی پارسی بر مردم‌گرایی استوار است^۳ و این لازمه نوشتن درباره تاریخ محلی است که از ارکان مهم اندیشه تاریخ‌نگاری باستانی پارسی به شمار می‌رود. او مورخی همه‌جانبه‌نگر است که «معرفت تاریخی از ورود به همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی و هنری گذشته زندگی انسان به دست می‌آورد.»^۴ نگاه او به تحقیق در تاریخ توأم با استفاده به‌جا و بسیار از ادبیات و شعر و طنز است. در اندیشه او تاریخ کرمان و پاریز و ایران و شیوه‌های زندگی مردمان آن، به‌خصوص تاریخ دهنشینی، جایگاه ویژه‌ای دارد، چنانکه «زبان و قلم باستانی پارسی برداشتی عالمانه و پخته‌شده از شیوه تاریخ‌نگارانه روستا است.»^۵ خود او در آثاری مانند حماسه کویر روستا را «برخاست روح تاریخ» می‌داند و آن را از دیدگاه مردم‌شناسی تاریخی و نیز از منظر تاریخ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، حتی سیاسی و اداری، بررسی می‌کند.^۶ در همین نقطه است که جای پای زن تبلور می‌یابد و او هنرمندانه نقش زن را در تاریخ روستاها (پاریز و دیگر روستاهای ایران) و کرمان و ایران (توجه به سه گانه تاریخ مردم، محلی و ملی)، با رویکرد ادبی و طنز، می‌کاود و به دستاوردهای پژوهشی نائل می‌آید.^۷

تاریخ‌نگاری باستانی پارسی به ویژگی‌هایی آراسته است که خاص اوست. از همین رو، درباره سبک و اسلوب او نقد و نظرهای گوناگونی وجود دارد. عبدالرسول خیراندیش سه مقوله «منش، بینش و روش»

۱. باستانی‌راد، «باستانی پارسی، محمدابراهیم»، ص ۹۲.

۲. علی دهباشی، «یادگارنامه دکتر محمدابراهیم باستانی پارسی: مردی از تبار تاریخ و فرهنگ»، بخارا، ش ۴۶ (آذر و دی ۱۳۸۴)، ص ۳۲.

۳. فصیحی، ص ۲۵۸.

۴. محمدعلی رنجبر، «پارادایم‌شناسی تاریخ‌نگاری باستانی پارسی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۸، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، ص ۳۹.

۵. باستانی‌راد، «از کت و سُمبه‌های پاریز تا گذرهای پَت و پهن تاریخ»، ص ۹۸.

۶. باستانی پارسی، حماسه کویر، ص ۴۳۳-۴۸۰.

۷. باستانی‌راد، «از کت و سُمبه‌های پاریز تا گذرهای پَت و پهن تاریخ»، ص ۹۸-۹۹.

را در بررسی تاریخ‌نگاری او مهم می‌داند و از دیگر سو معتقد است که باید سه جنبه «دانش، کوشش و جوشش» را در مطالعه آثار او در نظر گرفت.^۱ رودی متیو نیز، با همین نگاه، جایگاه باستانی پاریزی را در تحول تاریخ‌نگاری دوره معاصر ایران، به‌ویژه تاریخ مردم و تاریخ محلی - که البته موضوع زن از همین جنبه قابل تأمل است - ممتاز می‌داند.^۲

پژوهشگران تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را بیشتر به «تاریخ‌نگاری مردم» تعبیر کرده، اما به بررسی «تاریخ‌نگاری زن» در اندیشه او نپرداخته‌اند.^۳ یکی از مهم‌ترین توصیف‌ها درباره سبک تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی از آن خیراندیش است که آن را «تاریخ‌نگاری زنده» می‌خواند و دلیل آن را نیز این می‌داند که او «گذشته را به حال می‌آورد.»^۴ تقریباً همان تعبیری که زیربای خوبی به کار برده و معتقد است در اندیشه باستانی پاریزی «گذشته مقدمه حال است.»^۵

نقش زنان در اقتصاد

نگاه باستانی پاریزی به اقتصاد را می‌توان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های اندیشه تاریخ‌نگاری او دانست. او روستا را روح تاریخ و بستر اصلی اقتصاد ولایات و کشور می‌داند. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، حماسه کویر، اژدهای هفت‌سر (جاده ابریشم)، آفتابه زرین فرشتگان، خاتون هفت‌قلعه و دیگر آثار او از جمله در مجموعه هفتی دربردارنده فصول و مقالاتی درباره تاریخ اقتصادی ولایات گوناگون، از جمله کرمان، تجارت و تعاملات جهانی در جاده‌ها، نقش قنات و روستا در اقتصاد هستند که در آنها توجه ویژه‌ای به نقش اقتصادی زن در تاریخ کرمان و ایران شده است.

یکی از بارزترین شواهد که حاکی از پیوند میان زن، اقتصاد و تاریخ محلی در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی است، نظریات او درباره نقش اقتصادی زنان است، جایی که هم این نقش را تحلیل می‌کند و هم وظایف زنان را در فرزندآوری و تربیت فرزند به‌عنوان معلمان خانواده و میراث‌داران فرهنگی تبیین می‌نماید. در واقع او صرفاً به زن، به‌ویژه زن روستائین، به‌عنوان بخشی از جامعه که در اقتصاد نقش دارد نگاه نمی‌کند و نقش او را در فرهنگ و نهاد خانواده، به‌مثابه نهاد آموزش، می‌کاود. او در جایی، ضمن بررسی تقابل کار در خانه و بیرون، جایگاه زن را با زبان طنزی که خاص اوست، این‌گونه تعریف می‌کند:

تهیه ابریشم در شهرها و ولایات و عبور ابریشم از راه‌ها کارهای جنبی بسیاری نیز با خود

۱. خیراندیش، ص ۳۹.

2. Rudi Mathee, "In Memoriam, Mohammad Ebrahim Bastani-Parizi (1925-2014)", *Perspectives on History, The Newsmagazine of the American Historical Association* (April 2015), online: www.historians.org.

۳. برای نمونه، بنگرید به: فصیحی، ص ۲۷۱. او در توصیف سبک تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی از اصطلاح «مردم‌گرایی» استفاده می‌کند، اما به نقش زن در این سبک و سیاق هیچ اشاره‌ای ندارد.

۴. خیراندیش، ص ۳۹.

۵. باستانی پاریزی، حماسه کویر، ص ۳۲.

می‌آورد و یکی از این کارها که استاد شیطان در آن دست دارد، این بود که ابریشم به زنان امکان می‌داد که کارهای تولیدی و سودآور از پرتو آن داشته باشند. و در واقع آنها را از ماشین جوجه‌کشی تولید بچه در خانه، تبدیل می‌کرد به زنی که در مزارع برای گردآوری برگ توت، و برای حفظ دانه تخم کرم و گرم نگه داشتن آن - حتی در سینه و کمر بند و زیر بغل خود - و بعد کشیدن پیله و رشتن و بافتن و همه این کارها در تمام سال فعالیت داشته باشند، دیگر قالی ابریشمی که جای خود دارد.^۱

او همچنین اشاره می‌کند که هنر قالیبافی «به همت سر انگشتان نازک دخترانه و پسران خردسال و طراحان و نقاشان زبردست و رنگرزه‌های چیره‌دست جای پای در اقتصاد کرمان به دست آورد.»^۲ چنین مواردی نشان می‌دهد باستانی پاریزی از کوچک‌ترین نقش‌ها در تکوین و بالندگی امور اقتصادی غافل نمی‌ماند. چنانکه در پژوهش‌های خود از نقش پیرزنی که در قلب کویر با اندکی آب شور، اما با سرور، زندگی را به سر می‌برد و با دوک نخریسی نقشی ناپیدا در اقتصاد مملکتی بزرگ دارد، نمی‌گذرد.^۳ باستانی پاریزی خود اهل روستا بود. بنابراین، نقش زنان کویرنشین و بانوان کوه‌نشین البرز و زاگرس و نیز جایگاه زنان را در میان خرده‌فرهنگ‌های گوناگون ایرانی خوب می‌شناخت. شاید اشتباه نباشد اگر بگوییم او در بسیاری از نوشته‌های خود، تحت تأثیر همین شرایط اقلیمی کرمان، جغرافیا و جبر محیط را مؤثر می‌داند: «جبر اقتصادی کویر از زن کویری موجودی می‌سازد که باید خودش بشود زاینده‌رود کویر. او قانع، پیش‌بین، مقتصد و آینده‌نگر است. ذخیره خانه را براساس بودجه‌بندی دقیق حفظ می‌کند، و البته هر مردی با چنین برنامه‌ای زندگی خوشبختی خواهد داشت.»^۴

صرفاً پژوهشگر نکته‌سنجی مانند باستانی پاریزی می‌تواند به چنین برداشتی از رابطه زن و اقتصاد ولایات کویری دست یابد که این موضوع را می‌توان دلیلی بر تسلط او در برقراری رابطه بین زن و تاریخ اجتماعی، تاریخ محلی، اقتصاد و اقلیم و طبیعت (محیط زندگی) دانست. نکته قابل توجه این است که در قدیم زنان فعالیت‌های مربوط به خود را داشتند و رعایت حریم بین زن و مرد بسیار اهمیت داشت. تاریخ گواهی می‌دهد که مردان بنا به اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم عزت و جایگاه زن را زیر پا نمی‌گذاشتند و مانند امروز به او به دید یک کالای تبلیغی در امر تجارت و بازاریابی نگاه نمی‌کردند و باستانی پاریزی کاملاً متوجه این موضوع است.

۱. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *ازدهای هفت‌سر* (تهران: نشر نامک، ۱۳۸۰)، ص ۳۲۸ و ۲۹۷.

۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *وادی هفت واد* (تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵)، ص ۲۷۹.

۳. باستانی‌راد، «باستانی پاریزی وارث والایتبار بیهقی»، ص ۳۱.

۴. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *حصیرستان* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۲)، ص ۲۶۰.

باستانی پاریزی در کتاب *گذار زن از گذار تاریخ* در کنار بررسی «جای پای زن در سیاست»، به جایگاه او در اقتصاد محلی و ملی نیز پرداخته و او را پیروزِ گردنه‌های سخت اقتصادی دانسته است. این دیدگاه در تفاوت نقش اقتصادی زنان در مواجهه با شیوه‌های گوناگون معیشت مبتنی بر اقتصاد شهری، روستایی و عشایری بهتر نمود می‌یابد. نکته مهم در بررسی رویکرد باستانی پاریزی به تاریخ محلی این است که او صرفاً به اقتصاد روستایی و شهری نمی‌پردازد، بلکه در بیشتر آثارش به زندگی عشایری هم توجه دارد. مهم‌ترین اثر او در این باره کتاب *پیغمبر دزدان* است که در مقدمه مفصل آن به نقش ایلات کرمان از جمله ایل بچاقچی، ایل لری، و دیگر عشایر سیرجان و کرمان پرداخته است.^۱ در جای جای آثار او به نقش زنان عشایر و فعالیت‌های اقتصادی آنان در تاریخ کرمان اشاره شده است. او در بررسی تفاوت نقش زنان در دو نوع کلی زندگی شهری و عشایری معتقد است:

باری این روحیه گوسفندداری که لازمه آن کوچ کردن همراه گوسفند است، به عقیده من، طبیعی‌ترین روال زندگی در خاورمیانه و آسیای مرکزی محسوب می‌شود و نتیجه این خانه بر دوشی و جابه‌جایی-که بیلاق و قشلاق می‌گویند-یک عامل تازه را الزاماً به جامعه بشری تحمیل می‌کند و آن دخالت و همکاری لازم و غیرقابل انکار زن یعنی جناح دوم جامعه در کارها است.^۲

تأکید او بر نقش زنان عشایر نکته‌ای نیست که از نگاه دیگر مورخان پنهان مانده باشد، به‌ویژه آنکه تاریخ ایران با عشایر در هم آمیخته است، به‌ویژه اقوام عشایری که از دو جناح آسیای مرکزی و قفقاز به ایران کوچ کردند و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع آن تأثیر گذاشتند.

از دیگر سو، زنان روستایی در امر تولید نقش مهمی دارند و هم‌دوش مردان به کار شبانی و روستایی می‌پردازند. آنها نیز حق اظهار نظر دارند، و می‌توانند در امور مهم مشورت دهند و دخالت کنند. در جامعه شبانی، «ملکه‌های اقتصاد شبانی» ناچارند شب و روز هم‌قدم و هم‌شانه مردان به کار و فعالیت بپردازند. و این باعث می‌شود در اقتصاد شبانی حقوقی مشابه حقوق مردان برای خود کسب کنند. براساس همین شیوه «زن‌سالاری» بود که زنان عشایر کوهستان پاریز، همچون «بی‌بی مریم بختیاری یا بی‌بی فاطمه لری در هندیز پاریز و غیره، صاحب گله‌های هزارتایی» بودند و گروه کثیری از مردان را هدایت و رهبری می‌کردند.^۳ این نگاه نشان می‌دهد مطابق اندیشه تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی صرفاً نباید به ترکان خاتون سلجوقی، قتلغ خاتون قراختایی، پریزاد هخامنشی، مهدعلیا قاجار و دیگر زنان نام‌دار عرصه سیاست توجه

۱. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *پیغمبر دزدان* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۶)، ص ۱۵-۱۲۰.

۲. باستانی پاریزی، *گذار زن از گذار تاریخ*، ص ۴۰۵.

۳. همان.

کرد، بلکه نقش ملکه‌های شسانی را نیز باید دید و بررسی کرد.^۱ باستانی‌پارسی در آثار خود تاریخ محلی (انبوه آثار او درباره کرمان)، تاریخ اقتصادی (در آثاری مانند حماسه کویر، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی و...) و تاریخ اجتماعی (در آثار مجموعه هفتی/اسبغه ثمانیه) را به هم پیوند زده و در همه آنها رابطه میان زن و اقتصاد محلی-روستایی را به صورت پراکنده و جسته و گریخته بررسی کرده، اما هیچ‌گاه مستقلاً بر این موضوع تأمل نکرده است. در واقع، می‌توان از لابه‌لای آثار او، به صورت پراکنده، انبوهی از اطلاعات را درباره نقش اقتصادی زن در تاریخ ایران استخراج و بررسی کرد، اما سرانجام نمی‌توان برداشت واقعی او را در این باره تبیین کرد.

زن، صدف گهرساز فرهنگ در تاریخ محلی

فرهنگ در تاریخ‌نگاری باستانی پارسی حلقه میانی سلسله‌مراتب جوامع خرد در تاریخ ولایات و کشور و تمدن ایرانی در سطح کلان است. اگر بخواهیم نقشی را که او برای فرهنگ قائل است، به زبانی ساده بیان کنیم، باید به این جمله مشهور او درباره ماندگاری زبان فارسی اشاره کنیم که معتقد است این زنان ایرانی بودند که قومیت و هویت و زبان ایرانی را ثابت نگه داشتند:

این زبان را چه عواملی پایدار و برپا نگه داشته و نگذاشته است به سرنوشت زبان‌های یونانی، در آسیای صغیر، و زبان نبطی در عربستان و زبان قبطی در مصر و شمال آفریقا دچار شود. تعجب نخواهید کرد، اگر بگویم نصف مردم ایران لااقل در این کار سهیم دارند، و آن نصف مردم در واقع زنان این مملکت هستند، و برای شاهد دعوی اشاره می‌کنم به واقعه تاریخی، یعنی ازدواج دسته‌جمعی ده هزار سرباز یونانی با ده هزار دختر ایرانی در حوالی ۳۲۵ پیش از میلاد که تا زمان ما بیش از ۲۳۰۰ سال فاصله دارد.^۲

باستانی‌پارسی به ماجرای ساخت شهرها و یا تغییر نام آنها در عصر اسکندر و شکل‌گیری اسکندریه‌ها اشاره می‌کند و آن را در زمره اهداف یونانیان و اسکندر برای از بین بردن هویت ایرانی در عصر تسلط فرهنگ هلنی می‌داند و معتقد است این زن ایرانی بود که ایران را از این خطر نجات داد و به‌رغم ازدواج با مردان یونانی، توانست فرزندان با فرهنگ ایرانی تربیت کند و به استمرار هویت ایرانی بکوشد. او

۱. او گاهی به برخی از زنان که در تاریخ ولایات و عشایر نشانی از آنها نیست، اما نقشی مهم در تاریخ ملی ایفا کرده‌اند، می‌پردازد. فراز زیر را می‌توان نمونه‌ای از توجه او به استخراج چنین داده‌های تاریخی برای تدوین جایگاه زن در تاریخ محلی و ملی دانست: بی‌بی مریم بختیاری دختر حسینقلی خان بختیاری و خواهر سردار ظفر بختیاری که در جنگ جهانی اول، زمانی پس از آنکه ایرانیان وطن‌خواه مورد تهدید اولتیماتوم روس و بعد مورد هجوم انگلیس قرار گرفته بودند و از بیم بیگانه به مهاجرت در داخله آواره بودند و مأمونی نیافتند، ناچار به کوهستان بختیاری پناه بردند، این زن آنان را پناه داد و در سرنوشت بعدی ایران نقش ایفا کرد. نکته‌ای که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است، زیرا یکی از آن پناهندگان علی‌اکبر دهخدا و دیگری وحیدی دستگردی بود. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: محمدابراهیم باستانی‌پارسی، درخت جواهر (تهران: نشر علم، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۰-۱۳۲؛ همو، کوه‌ها با هم‌اند (تهران: نشر علم، ۱۳۹۴)، ص ۲۲۵-۲۲۸.

۲. محمدابراهیم باستانی‌پارسی، شمعی در طوفان (تهران: نشر علم، ۱۳۷۸)، ص ۳۳۸-۳۳۹.

همین امر را پس از تسلط اعراب و نیز ترکان و مغولان نیز مهم می‌داند. محقق تاریخ کرمان، بیش از هر پژوهشگر دیگری، بر تاریخ کرمان تسلط داشته و به‌ویژه در قلمرو زمانی تاریخ میانه و تاریخ معاصر ایران هر گاه اثری درباره کرمان تصحیح و یا تألیف کرده، در حواشی و مقدمه‌های مفصل بخش‌هایی را به نقش فرهنگی زنان اختصاص داده است. او در بحث از دوام زبان فارسی به این نکته مهم نیز اشاره می‌کند: «چهارصد سال ترکان سلجوقی، ترکان غز، ترکان قراختایی و ترکمانان تیموری بر کرمان سلطنت کردند و امرای آق‌قویونلو و صفوی کرمان همه ترک بودند و امرای قاجار، همه شاهزادگان قاجاری به همین روال، اما امروز حتی یک کلمه ترکی در زبان کرمانی‌ها گفت‌وگو نمی‌شود.»^۱ اگرچه این نکته جای نقد دارد، زیرا پس از گذشت حدود هزار سال از حضور ترکان سلجوقی در کرمان هنوز برخی از سالمندان ایلات افشار، بچاقچی، سلجوقی به زبان ترکی صحبت می‌کنند، اما واقعیت همان است که باستانی پاریزی می‌گوید و در زبان فارسی با لهجه کرمانی زبان ترکی رسوخ نکرده است و گاه در یک منطقه مانند جنوب سیرجان ایلات ترک و عرب و لر در کنار هم زندگی می‌کنند و هر یک زبان خاص خود را به کار می‌برند.

باستانی پاریزی گاه بر نقش فرهنگی زنان ادیب و اندیشمند پای می‌فشارد و زنان مشوق هنر و فرهنگ را می‌ستاید، از جمله طاهره صفارزاده، بانوی همشهری و هم‌عصر و هم‌قلم خود، و نیز گوهرشاد خاتون و عروسان هنردوست او را که در عصر تیموری نقش مهمی در ساخت و سازهای وسیع مشهد و هرات داشتند.^۲

باستانی پاریزی با اشاره به مصرعی از علامه اقبال لاهوری - «زندگی در صدف خویش گهر ساختن است» - زن را همچون صدفی می‌داند که برای استمرار حیات بشریت «گهرساز» است.^۳ وی هر جا می‌خواهد از شخص مهمی سخن بگوید، اطلاعاتی درباره نقش فرهنگ‌پرور مادر آن شخص نیز بیان می‌کند که این نشان‌دهنده عمق توجه او به نقش زن در تاریخ است.^۴ این رویکرد باستانی پاریزی را می‌توان از شاخصه‌های تدوین شجره‌نامه‌ها و جایگاه آنها در تاریخ محلی دانست، زیرا آثار او مملو از نسب‌شناسی دودمان‌هاست و این کار او صرفاً به شجره‌ها و انساب کرمان خلاصه نمی‌شود و دودمان‌های دیگر ولایات ایران را هم دربرمی‌گیرد.

۱. همان، ص ۳۵۸-۳۶۰.

۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، خاتون هفت‌قلعه (تهران: روزبهان، ۱۳۷۳)، ص ۳۳۵.

۳. باستانی پاریزی، گذار زن از گذار تاریخ، ص ۱۸۴.

۴. محمدابراهیم باستانی پاریزی، گرگ بالان‌دیده (تهران: نشر علم، ۱۳۹۱)، ص ۴۱۲.

زن در موازنه تاریخ سیاسی محلی و ملی

مورخان ایرانی به‌ندرت درباره زندگی خصوصی بزرگان و امرا نوشته‌اند. در واقع سایه ستر تحولات سیاسی، اداری و نظامی مانع از آن شده است که نگاهشان را متوجه «اندرونی» کنند، خصوصاً از روابط بزرگان و امرا با زنان و روابط زنان خانواده با یکدیگر و دخالت آنها در سیاست مملکت بسیار به اجمال و کنایه سخن گفته‌اند، آن هم بیشتر زمانی است که زنان وارد عرصه سیاست شده باشند که ناگزیر باید به نقش آنها بپردازند. از دیدگاه باستانی پارسی، مردان «آنقدر اکراه دارند از اینکه نام زن را به زبان یا قلم آرند که گویی کتاب نامحرم است، همان حکایت صدا کردن قدیم [زنان را به نام فرزند پسر] در خانه‌های قدیمی است»^۱

سخن نگفتن از زنان و بی‌توجهی به آنان در تاریخ‌نگاری رسمی، علاوه بر ترسیدن از احتمال افشای نام آنها، شاید به دلایلی چند مربوط باشد، از جمله خصوصیات اخلاقی و روحی مورخان، حجب اجتماعی، عصمت مذهبی، سنت‌های فرهنگی و دلایل دیگر. اما این سبب نمی‌شود که از نقش تاریخ‌ساز زنان در تاریخ غفلت کرد، خصوصاً وقتی بدانیم که بسیاری از اوقات علت تغییرات سیاسی و حتی «کشته شدن سرداران و بزرگان و جنگ‌های بین‌الملل و آشفته‌گی اقتصاد و حتی سقوط دولت‌ها» مسائل خانوادگی بوده است.^۲ باستانی پارسی گاه در رویدادهای بزرگ جای پای زن را بیش از آنکه در نظر دیگر مورخان مهم بنماید، مورد توجه قرار می‌دهد.

باستانی پارسی با همان سلاست و روانی و البته ظرافت و نکته‌سنجی به نقش سیاسی زنان نیز پرداخته است. در تاریخ سیاسی ایران همواره مردان در حکمرانی و فرمانروایی گوی سبقت را از زنان ربوده‌اند، اما موارد استثنایی هم وجود دارند که زمینه را برای تبیین تحلیل‌های او درباره نقش سیاسی زنان فراهم می‌سازند، از آن جمله‌اند پادشاهان زن در اواخر روزگار ساسانیان، حکمرانان زن در تاریخ پادشاهی قراختاییان کرمان مانند قتلغ‌خاتون، و یا مادران و زنان مؤثری همچون ترکان‌خاتون، همسر ملکشاه سلجوقی، مه‌دعلیا همسر ناصرالدین شاه و ده‌ها نمونه دیگر.

از میان مقالات باستانی پارسی، چندین مقاله به «جای پای زن در تاریخ و سیاست» می‌پردازند، مانند «جای پای زن در شکست قادسیه»^۳ «جای پای زن در نبرد گوادولوپ»^۴ و مهم‌تر از همه مقالاتی با عنوان «زن و جنگ» در کتاب *گذار زن از گذار تاریخ* که صورت نهایی نقش زن را در نبردهای بزرگ

۱. باستانی پارسی، حصیرستان، ص ۱۸۷.

۲. محمدابراهیم باستانی پارسی، *بازیگران کاخ سبز* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۶)، ص ۴۱۰-۴۱۲.

۳. این مقاله با اصلاحاتی در صفحات ۱۸۸-۲۱۲ *گذار زن از گذار تاریخ* بازنشر شده است.

۴. *گذار زن از گذار تاریخ*، ص ۲۱۳-۳۳۰.

نشان داده‌اند.^۱ همه این مقالات بیشتر به تاریخ سیاسی در هر دو سطح ملی و محلی اشاره دارند. اما در مقالات «گذار زن از گذار زندگی» (۱۳۵۷) رویکرد او به نقش زن در تاریخ سیاسی محلی پرنرنگ‌تر است. این مقالات که بعدها در سال ۱۳۸۴ به شکل کتاب درآمدند، مجموعه‌ای از سلسله‌مقالات او در نشریهٔ *یغما* بودند.

زنان در اشعار باستانی پاریزی

شعر بخش جدایی‌ناپذیر قلم و اندیشهٔ باستانی پاریزی است. او هم خود شاعر بوده و هم بر گنجینهٔ ادب فارسی و عربی تسلط داشته است. چنانکه گاه بنا به ضرورت در آثار تاریخی خود از شواهد شعری بهره گرفته است. به بیانی دیگر، زبان باستانی پاریزی در خلق متون تاریخی به شعر آمیخته است. با توجه به اینکه «شعر و طنز دو وجه غالب ادبی و مورد علاقهٔ باستانی پاریزی در تاریخ‌نگاری هستند، متناسب با هر موضوع تاریخی معمولاً بیت شعری از شاعران زبان فارسی را در نوشتهٔ خود جای داده و طنز را در تاریخ‌نگاری به‌مثابهٔ شکر در کنار قهوهٔ تلخ» دانسته است.^۲ شماری از وجوه مهم کاربرد شعر را در تحلیل‌های تاریخی باستانی پاریزی می‌توان چنین بیان کرد: پیوند میان تاریخ و سیاست، پیوند میان جامعه و مسائل اجتماعی، طنز و حتی برخی از ابعاد مهم رویدادهای تاریخی (مکان، زمان انسان) و از آن میان مسائل زنان.

در برخی از اشعار باستانی پاریزی که جنبهٔ انتقادی و اجتماعی دارد، زن در برابر مرد ستایش شده است. در دو مجموعهٔ شعری او، *یادبود من* (۱۳۳۷) و *یاد و یادبود* (۱۳۶۵)، در کنار موضوعاتی مانند جامعه، تاریخ و سیاست، مسائل زنان نیز کاملاً بازتاب یافته که البته آمیخته با نگاه طنزآمیز باستانی پاریزی به مسائل اجتماعی است.^۳

اشعار باستانی پاریزی بازتاب زمانهٔ اوست. او در اشعار خود همزمان با تحولات اجتماعی به موضوع زن در جامعهٔ ایرانی نیز توجه دارد. مثلاً همان‌طور که در اشعار دههٔ ۱۳۳۰ او (مجموعهٔ *یادبود من*)، تحولات اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ و پیش از ملی شدن صنعت نفت به‌خوبی منعکس شده است،^۴ اشعار او در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، به‌ویژه در پی تحولات ناشی از تشکیل شورای زنان و اهمیت یافتن آنان در نهاد قانون‌گذاری پس از مجلس بیستم شورای ملی، به نقش‌آفرینی جدید سیاسی زنان در ایران اشاره دارد.

۱. همان، ص ۴۴۴-۴۸۹.

۲. باستانی‌راد، «باستانی پاریزی، محمدابراهیم»، ص ۹۲.

۳. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *یاد و یادبود* (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۵).

۴. باستانی‌راد، «باستانی پاریزی، محمدابراهیم»، ص ۹۲.

نگاه باستانی پاریزی به زن و برداشت‌های او از تاریخ اجتماعی در شعر «مهر دختر» به هم می‌آمیزد. این شعر که به ماجرای زنده به گور کردن دختران در شبه‌جزیره عربستان در عصر جاهلیت می‌پردازد، تحلیل روشنی از جامعه‌شناسی تاریخی عصر جاهلیت است:

اعرابی‌ای خدای بدو داد دختری
او دخت را به سنت خود ننگ می‌شمرد
هر سال کز حیات جگر گوشه می‌گذشت
شمع محبت دل او بیش می‌فسرد
روزی به خشم رفت و ز وسواس عار و ننگ
حکم خرد به دست رسوم و سنن سپرد
بگرفت دست کودک معصوم و بی‌خبر
تا زنده‌اش به خاک کند سوی دشت بُرد
او گرم گور کنندن و از جامه پدر
طفلک به دست کوچک خود خاک می‌سترد^۱

باستانی متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی دوران زندگی خود، به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ که دوره اوج اشعار او به شمار می‌رود، به جایگاه زن در تاریخ نیز توجه دارد. اشعار او در دهه ۱۳۲۰ که همزمان با دوران جوانی اوست، مناسب با فضای اجتماعی زنان و حتی با رویکرد مکانی مانند فضای پیرامون خیابان لاله‌زار، حضور دختران در فضای علمی دانشگاه تهران و حضور زنان در برنامه‌های موسیقی کشور سروده شده است. نباید فراموش کرد که باستانی پاریزی در موسیقی نیز دستی بر آتش داشته و با موسیقی‌دانان عصر خویش حشر و نشر داشته است. از آن گذشته در کتاب *نای هفت‌بند* نشان داده که در سرودن اشعار موسیقایی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی روزگار خویش نیز بهره برده است. باستانی پاریزی در آثار منثور خویش نیز به فراوانی از شعر بهره برده است. کتاب *پیغمبر دزدان* او که تصحیحی از مجموعه مکاتیب و اشعار شیخ محمدحسن زیدآبادی متخلص به نبی‌الساقرین است، در موضوع زن از این نظر اهمیت دارد که «ام‌الساقرین»، همسر پیغمبر دزدان، نیز جای پای در روایت‌های او دارد. بر مهر نگین انگشتی این زن چنین نوشته بوده است:

من از این روی ام‌الساقرینم
که با پیغمبر دزدان قرینم^۲

کتاب *مار* در بتکده کهنه نمونه بارزی از بهره‌مندی باستانی پاریزی از شعر در تاریخ‌نگاری و نویسندگی است. نکته مهم در این کتاب بررسی توأمان نقش زن در تاریخ و سیاست و مقایسه این دو با نقش و کارکرد «مار» در ادب فارسی و برداشت‌های عامه از آن است.^۳ در همین قسمت باستانی پاریزی ورود

۱. باستانی پاریزی، *یاد و یادبود*، ص ۲۲۹؛ این شعر با عنوان «مهر دختر» در *گلزار زن از گلزار تاریخ* تکرار شده است. نکته مهم این است که بیشتر اشعار مربوط به زن که سروده ایشان است و یا از مراجع ادبی استخراج شده، در جای‌جای این کتاب و به مناسبت ذکر شده‌اند.

۲. باستانی پاریزی، *پیغمبر دزدان*، ص ۴۲۵.

۳. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *مار در بتکده کهنه* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۸)، ص ۷۴.

زنان به عرصه سیاست را نه تنها توصیه نمی‌کند بلکه ایشان را از این کار برحذر می‌دارد.^۱ باستانی پاریزی بیشتر اشعاری که درباره جایگاه زن سروده و یا از مراجع ادبی استخراج کرده، به مناسبت‌های گوناگون در کتاب *گذار زن از گذار تاریخ* ثبت کرده و درباره هر موضوع تحلیل‌های تاریخی به دست داده است.

نقش علمی و آموزشی زنان

حضور زنان در عرصه‌های علمی، آموزشی و تربیتی از مهم‌ترین موضوعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران است. نقش ایشان به‌عنوان آموزگاران هم در اندرونی و هم در عرصه بیرونی مقوله‌ای مهم در تاریخ نهادهای علمی و آموزشی ایران به شمار می‌رود. همان‌طور که در خصوص حضور زنان در عرصه سیاست از دیدگاه باستانی پاریزی گفته شد، محدودیت حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و آموزش نیز در تاریخ ایران مسئله‌ای فراگیر بوده است، چنانکه دستاورد یک تحقیق در این خصوص نشان می‌دهد:

فقدان حضور مؤثر عمومی زنان در عرصه اجتماعی و ضعف قدرت تصمیم‌گیری ایشان در حوزه عمل جمعی، در نتیجه اعمال شیوه تربیتی متفاوت از مردان و ممنوعیت آنان از سوادآموزی و مجبوری ایشان به انزواطلبی بوده است که الگوهای تربیتی خواهان آن بوده‌اند و مردان را به حفظ این سنت ترغیب و تشجیع می‌کرده‌اند. با وجود این، وجود استعداد فردی در برخی از زنان و انتهاز فرصت ایشان از شرایط مساعد پیرامونی، علی‌رغم بازدارندگی‌ها، شکوفایی استعدادهای آنان را ممکن و میسر می‌ساخته است که، به دلیل محصور ماندن در حوزه عمل شخصی، ناتوان از جریان‌آفرینی فرهنگی و اجتماعی بوده است.^۲

در تاریخ فرهنگی ایران نویسندگان، شاعران، هنرمندان و چهره‌های فرهنگی زن کم نیستند، اما تا شکل‌گیری آموزش و پرورش رسمی و گسترش نهاد آموزش عالی در سده اخیر چندان که باید، به‌درستی و روشنی، به آنها توجه نشده است.^۳ باستانی پاریزی به‌عنوان یکی از پیشگامان توجه به زنان قلم به دست نه تنها در بیشتر آثار خود از ایشان یاد کرده، بلکه بسیار از آنها نقل‌قول آورده و تحلیل‌ها و

۱. محمدرضا نجاریان، سوادبه صادقی بهنوی، «اشارات ادبی در کتاب مار در بتکده کهنه باستانی پاریزی»، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی (اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، ۱۳۹۴)، ص ۹۲.

۲. عطاءالله حسینی، کاترین بابایان (زیر نظر)، «تحلیل الگوهای آموزشی و تربیتی در تاریخ میانه ایران و عصر صفویه و بررسی تأثیر آنها بر انزوای اجتماعی زنان»، *تاریخ ایران*، ش ۷۱ (زمستان ۱۳۹۱-۱۳۹۲)، ص ۳۸.

۳. از اواخر عصر قاجار و همزمان با تحولات نوین در ایران توجه به حضور زنان در جامعه بیشتر شد. یکی از گام‌های مهم انتشار نشریه جهان زنان (از ۱۳۰۰ خورشیدی) در مشهد و همزمان با آن چاپ نشریه *ارشاد النسوان* در کابل بود. پس از تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳) و ورود رسمی زنان به عرصه آموزش عالی، زنان خود به‌عنوان آفرینندگان آثار ادبی بیشتر در جامعه علمی و ادبی ایران حضور یافتند. سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد که یکی از کارهای آن تأسیس کتابخانه اختصاصی تحقیق درباره زن در سال ۱۳۴۹ بود. از جمله دستاوردهای این کتابخانه نشر *کتابنامه آثار زنان* بود که به آثار منتشرشده درباره زنان اختصاص داشت (*کتابنامه آثار زنان ایران* تهران: سازمان زنان ایران، ۱۳۴۹). بی‌تردید این جریان بر کسانی چون باستانی پاریزی تأثیر داشت. به‌ویژه آنکه وی در جریده‌نگاری مهارت داشت و برای بیشتر نشریات و مجلات اجتماعی مقالاتی را ترجمه (از عربی) و یا تألیف (با رویکرد تاریخ اجتماعی) می‌کرد.

روایت‌های خود را به آثارشان مستند کرده است. به‌علاوه، او از نقش زنانی که خود قلم به دست نبوده، اما در کنار قلم و دوات نویسندگان نام‌آور نشسته و دود چراغ خورده‌اند، غافل نمی‌ماند. چنانکه کتاب *گذار زن از گذار تاریخ* را به همسر عارفه خویس بی‌بی حبیبه حائری-دختر میرزایوسف ارشاد علی‌شاه که خانواده او از بزرگان خانقاه‌نشین کرمان بوده‌اند-تقدیم می‌کند و قدردان اوست که در بیش از ۶۰ سال زندگی مشترک این فرصت را برای او فراهم کرده است تا بتواند با فراغ بال ۶۰ کتاب خود را بنویسد. او پس از وفات همسر خویس این کتاب را به او تقدیم می‌کند. در جایی دیگر نیز چنین از او یاد می‌کند: من با اینکه بیش از پنجاه کتاب، زیر سایه مرحمت همین شریک زندگی نوشته‌ام که بسیاری از آنها بیش از پنج بار و ده بار چاپ شده است... و اندکی کمتر از هزار مقاله تاکنون چاپ کرده‌ام، و با اینکه این خانم بیش از پنجاه بار دعای سفر در گوش من خوانده و از زیر قرآن برای سفر حج و عتبات و پاریس و لندن و دهها نقطه دیگر مراد کرده است و همه دار و ندار خود را در راه سعادت من و فرزند نام سودا کرده، و به قول فلسفیون، وجود او در خانه من (خیر مطلق) است، با همه اینها، من هم مثل دکتر غنی از همه اسم می‌برم ولی از این زن اسم نمی‌برم که نمی‌برم.^۱

از همین نگاه، مورخان و نویسندگان و اندیشمندان را مورد خطاب قرار می‌دهد که چرا هیچ‌گاه از همسران خود در آثارشان یادی نکرده‌اند. به باور او، «گویی من باب رعایت جوانب خصوصی بوده، که از این امر دریغ کرده‌اند. و حال آنکه کیست که نداند دو تن هستند که در تدوین کیفیت حیات یک شخصیت تاریخی بی‌نهایت مؤثر هستند: یکی مادران، دیگر زنان و همسران.» این نگاه باستانی پارسی آنجایی جذابیت و تأثیر خود را نمایان می‌سازد که به این جملات توجه شود: «غفلتی که این بزرگان در مورد همسران خودشان کرده‌اند... از طبری گرفته تا شیخ خرقانی از خواندمیر گرفته تا بیهقی، سقراط، شیخ انصاری، اعتمادالسلطنه و دکتر غنی، همه اینها حق بزرگ زنان خود را فراموش کرده‌اند.» مثلاً «طبری در زندگانی خویس عادات غذایی خاصی داشت، اما جالب اینکه هیچ کجا نامی از همسر این مرد بزرگ در میان نیست. در حالی که همه می‌دانیم که هر مرد بزرگ زنی بزرگ‌تر از خود دارد.»^۲

باستانی پارسی اندیشمندی را که زنانشان را به حال خویس رها می‌کردند و در طلب علم، و حتی دین، به گوشه و کنار دنیا می‌رفتند، سرزنش می‌کند. او با اینکه از شیفتگان بیهقی، ناصر خسرو، فردوسی و دیگر بزرگان علم و ادب ایران است، اما رویکرد انتقادی خود را فراموش نمی‌کند، برای نمونه درباره ناصر خسرو می‌نویسد:

۱. باستانی پارسی، حصیرستان، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۱۷۷ و ۲۱۶ و ۱۸۸.

در هیچ کتاب و هیچ مجموعه‌ای، یادی از همسران فداکار هنرمندان و بزرگان ثبت نشده است. کیست که انکار کند میزان فداکاری زنی که شصت سال با ناصر خسرو همراهی و همداستانی کرد. وی هفت سال همسرش را در دهات بلخ بی‌سر و سامان و بی‌خرچی گذاشت، و به امید دیدن المستنصر بالله، خورشید فاطمی ديار مغرب، راهی ديار عرب و مصر شد. زنی با چنین مردی که ده‌ها سال سازگاری کرد تا توانست آثاری همچون قصاید غرای بی‌نظیر، سفرنامه، روشنایی‌نامه، جامع‌الحکمتین و امثال آن را به وجود آورد.^۱

باستانی پاریزی به آنان که در کتاب‌های عظیم خود حتی نامی و نشانی از زنان خویش نیاورده‌اند، اعتراض می‌کند. مثلاً درباره‌ی حاج ملاهادی سبزواری می‌گوید که بی‌گمان همسر او «وسایلی فراهم ساخته تا بزرگ‌ترین فیلسوف قرن گذشته ما به راحتی خیال بتواند کتاب اسرار/الحکم خود را به جامعه فیلسوفان عهد تقدیم کند»، ولی او «از همسر خود مطلقاً نامی» نبرده است.^۲

باستانی پاریزی اشاره‌ی جالبی به علی اکبر سیاسی و قاسم غنی دارد و اشاره‌ی او این نکته را نمایان می‌کند که این غفلت صرفاً به مورخان و نویسندگان و مشاهیر هزار سال پیش مربوط نمی‌شود، بلکه حتی در دوره‌ی معاصر و در زمانه‌ای که زنان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی در پی تغییر جایگاه خود هستند، شخصی چون «دکتر سیاسی فراموش کرده در یک کتاب سیصد صفحه‌ای حتی یک بار نام مادرش را به زبان آورد.» همچنین همسر دکتر غنی سبزواری، «بانویی فداکار که توانست طی مجاهدت کم‌نظیر خود» دکتر غنی را سفیر و وزیر و استاد و مشاور و معلم شاه کند، «در هیچ کدام از کتاب‌های پرارزش دکتر غنی جایی درخور خویش ندارد.» در صورتی که همه‌ی یادداشت‌های دکتر غنی را همسر وی یادداشت و حفظ می‌کرده است.^۳ اقبال آشتیانی نیز «که خودش یک طبری اروپاگشته و سوربون دیده در روزگار ماست، از اینکه نام مادرش را ببرد دریغ می‌ورزد. مثل اینکه اسم ناموس آدم را نباید نامحرم بشنود.»^۴

در مقابل، باستانی پاریزی شیخ انصاری را ستایش می‌کند و می‌گوید «افسوس که هیچ کدام از بزرگان ما انصاف یا لااقل توجه مرحوم شیخ انصاری صاحب جواهر را نداشتند، که وقتی نگاه به انبوه رسالات، کتب و تألیفات خود می‌انداخت، ناچار اعتراف می‌کرد و می‌گفت: اگر عیال من از حقتش نمی‌گذشت من نمی‌توانستم این کتاب‌ها را بنویسم.» همچنانکه علامه طباطبایی را از همین دیدگاه تمجید می‌کند.^۵

۱. او ادامه می‌دهد: «همسر ناصر خسرو نه تنها سازگاری بلکه فداکاری کرد. این نکته را خود ناصر خسرو نیز اعتراف می‌کند: «مر مرا پرس از این زن، که مرا با او شصت یا بیش گذشته است دی و بهم.» باستانی پاریزی، گنار زن از گذار تاریخ، ص ۶۲.

۲. باستانی پاریزی، حصیرستان، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۱۸۷ و ۱۹۲-۲۰۳.

۴. همان، ص ۱۸۳.

۵. همان، ص ۶۳ و ۱۸۵.

گویا در گذشته مردان، و حتی بزرگان مذهبی، از اینکه از جنس زن سخنی بگویند ابا داشتند و به خاطر حجب و حیا در جمع خود سخنی از زنان به میان نمی‌آوردند. بزرگان قدردانی و محبت خود را جز در محیط خانه ابراز نمی‌کردند و اعتقادی به درج آن در تاریخ نداشتند. از نظر آنها همین که به صورت کلی از جایگاه زن و حق مادر و همسر سخن گفته شود کافی است. تاریخ‌نگاران هم همین رویکرد را داشتند. آنها زنان را جزء مسائل خصوصی مردها به شمار می‌آوردند و از آنها جز در مواردی که تأثیر قابل توجهی در مسائل اجتماعی داشتند حرفی نمی‌زدند. و شاید باستانی پارسی در اینجا بیش از کشف تاریخ، به تاریخ اعتراض کرده باشد. «پرده‌نشین» ماندن زنان در تاریخ ایران موضوعی است که بی‌تردید بر آرا و اندیشه‌های باستانی پارسی تأثیر گذاشته است. شواهد بسیاری در تاریخ میانه ایران و سده‌های اخیر وجود دارد که نشان می‌دهد زنان بر پایه بسیاری از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی مجال حضور در جامعه بیرونی را نداشته‌اند.^۱

ویژگی‌های زنان از دیدگاه باستانی پارسی

باستانی پارسی در تاریخ‌نگاری خویش به دنبال صفات و خصوصیتی از زنان بود که در تاریخ مجال بروز یافته و حتی تاریخ‌نویسان را وادار کرده است از آنها بنویسند. گویی او هر صفحه از تاریخ را که می‌خواند از ذهنش این می‌گذشت که آیا زن مایه انحراف و سرنگونی در تاریخ بوده یا مایه اصلاح و رشد؟ او به ویژگی‌هایی چون فداکاری، شجاعت از نوع زنانه، قناعت و آینده‌نگری، زیبا و رقیق‌القلب بودن، کدخدگری، لجاجت و کینه زنانه اشاره می‌کند و به سبک و سیاق خود برای هر کدام شواهدی از متون تاریخی می‌آورد. آنچه برای او در تاریخ‌نگاری مهم است، صرفاً تدوین تاریخ مؤنث در برابر تاریخ مذکر نیست، بلکه نگاه او به زن در تاریخ، نگاهی است مکمل. وی تاریخ‌نگاری بدون توجه به نقش زن را ناقص می‌داند. به بیان او، نواب و کیل یزدی که با دموکرات‌ها سروکار داشت «وقتی سالدات روس سرتاسر ایران را گرفت (?) حتی کرمان را از قشون خود پر کرد، یک نفر آلمانی که در کرمان مانده بود، یکی از رعایای کرمان او را به خانه برد، بدون اینکه صد دینار از او بخواهد، نگهداری کرد. اهل و عیال او به قول نواب و کیل چه فداکاری کرده‌اند. یک سال مرد غریبه را در سال قحطی، نان و خرجی داده‌اند و حتی همسایه هم خبر نشده است.»^۲ از دیگر سو، یک زن روستایی فداکار را ستایش می‌کند که به اندازه صد مرد قدرت روحی داشته است: «حرفی را که ما اهل تاریخ که بعضی‌مان ادعای مردی و مردانگی هم داریم بعد از هزار و سیصد سال از ترس خراسانی‌ها و هم‌ولایتی‌های ابومسلم با ترس و

۱. شواهد بسیاری در این خصوص وجود دارد. برای مطالعه برخی از این شواهد با رویکرد الگوهای آموزشی-تربیتی، بنگرید به: حسنی و بابایان، ص ۴۵-۵۶.

۲. باستانی پارسی، کوه‌ها با هم‌اند، ص ۲۳۳.

لرز به زبان می‌آوریم، این زن ۲۵ سال بعد از ابومسلم و در حضور یاران و خونخواهان بی‌امان ابومسلم به زبان آورده است.»^۱

در نگاه قهرمان محوری هم باستانی پاریزی همین رویکرد را دارد: «قهرمانان شاهنامه عموماً مردها هستند و طبعاً خوانندگان آن هم مردهای جنگجو و برتری طلب. اما یک مورد استثنایی هست که اساس داستان بر احوال یک زن نهاده شده و در واقع قهرمان آن یک زن است، در حالی که تقلیدی است از شاهنامه و معروف است به جهان شاهنامه.»^۲

نتیجه گیری

باستانی پاریزی در شمار پژوهشگران و مورخان است که صاحب سبکی ویژه خود است. او با کمک گرفتن از تاریخ فرودستان یا تاریخ عامه، آثار خود را در موضوعاتی مانند تاریخ کرمان و پاریز (تاریخ محلی)، جامعه و مردم‌شناسی تاریخی (تاریخ اجتماعی) و تاریخ زن به گونه‌ای تدوین کرده است که همه گروه‌ها و اصناف می‌توانند از آن بهره ببرند و از این رو تاریخ‌نویسی او «عامه‌پسند» تلقی می‌شود. در این میان، بررسی جای پای زن در تاریخ از مهم‌ترین مؤلفه‌های نگاه باستانی پاریزی به تاریخ است. او یکی از نقاط ضعف آثار تاریخی را بی‌توجهی مورخان به نقش زن در تحولات و رویدادهای گوناگون تاریخی می‌داند.

باستانی پاریزی از زمانی که نخستین اثر خود را با عنوان «تقصیر با مردان است، نه زن‌ها» در جراید کرمان منتشر کرد تا آنگاه که کتاب *گذار زن از گذار تاریخ* را نوشت، همواره توجه ویژه‌ای به «جای پای زن» در تاریخ، اقتصاد، جامعه، فرهنگ و سیاست داشت و حتی در اشعار او نیز این موضوع قابل تأمل است. بررسی اندیشه‌های باستانی پاریزی در این باره نشان می‌دهد که او با نگاهی به ضرب‌المثل «همیشه پای یک زن در میان است» تاریخ را کاویده و از درون تحلیل‌های خود جای پای زن را در تاریخ نشانه‌یابی کرده است.

مهم‌ترین دستاورد باستانی پاریزی در این واکاوی، بررسی نقش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان در نهادهای گوناگون و در همه لایه‌های تاریک و روشن تاریخ است. این ایده که باستانی پاریزی «تاریخ را از غار تاریک» به روشنی آورد و به مثابه «صیاد لحظه‌های تاریخ» توانست تلخی قهوه تاریخ را به شکر ادبیات و طنز شیرین کند، نشان می‌دهد که توجه او به تاریخ اجتماعی مردم در عمل به نتیجه رسید. و در این عرصه «زن» مهم‌ترین جلوه توجه او به نگارش تاریخ اجتماعی و تاریخ مردم است.

۱. باستانی پاریزی، *مادر بتکده کهنه*، ص ۲۴۴.

۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *شاهنامه آخرش خوش است* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۳)، ص ۴۷۱.

نقد جدی برخی از پژوهشگران به حوزه فکری باستانی پاریزی و تألیفات و تحقیقاتش این است که او در مجموعه آثار خویش، و از آن جمله در کتاب *گذار زن از گذار تاریخ*، برای نشان دادن جای پای زن در تاریخ نه تنها ادله کافی فراهم نمی‌کند، بلکه در برخی جاها رویدادهای بزرگ را به علت‌هایی معمولی و گاه کم‌اهمیت پیوند می‌دهد و آنها را بسیار مهم قلمداد می‌کند. این برداشت از آنجا که به سبک خاص باستانی پاریزی در تحریر و نقل روایت مربوط است، گاه به حساب نوع قلم او و سبک نگارشش گذاشته می‌شود.

کتابنامه

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «جای پای زن در شکست قادسیه»، یغما، س ۱۳، ش ۱، ۱۳۳۹، ص ۲۹-۳۵.
- _____ *وادی هفت واد*، ج ۱، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.
- _____ *یاد و یادبود*، تهران: نشر علمی، ۱۳۶۵.
- _____ *خاتون هفت قلعه*، تهران: روزبهان، ۱۳۷۳.
- _____ *شمعی در طوفان*، تهران: نشر علم، ۱۳۷۸.
- _____ *درخت جواهر*، تهران: نشر بهنام، ۱۳۷۹.
- _____ *ازدهای هفت‌سر*، تهران: نشر نامک، ۱۳۸۰.
- _____ *حصیرستان*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۲.
- _____ *حماسه کویر*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۲.
- _____ *شاهنامه آخرش خوش است*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۳.
- _____ *گذار زن از گذار تاریخ*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴.
- _____ *هواخوری باغ با گوهر شب چراغ*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۵.
- _____ *بازیگران کاخ سبز*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- _____ *پیغمبر دزدان*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- _____ *مار در بتکده کهنه*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
- _____ *گرگ پالان دیده*، تهران: نشر علم، ۱۳۹۱.
- _____ *کوه‌ها با هم‌اند*، تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
- باستانی پاریزی، حمید و حمیده (به کوشش). *شاعر تاریخ: یادگارنامه محمدابراهیم باستانی پاریزی*، تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
- باستانی‌راد، حسن. «باستانی پاریزی، محمدابراهیم»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۹، ص ۹۲-۹۴.
- _____ «مکتب تاریخ‌نگاری کرمان»، *پژوهشگران فرهنگ*، س ۳، ش ۹-۱۰، زمستان ۱۳۸۳.

- _____ «تأملی در خودمشت‌مالی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهرماه ۱۳۸۱، ص ۹-۱۲.
- _____ «باستانی پاریزی وارث والاتبار بیهقی»، حافظ، ش ۲۳، ۱۳۸۴، ص ۳۱-۳۲.
- _____ «از کُت و سُمبه‌های پاریز تا گذرهای پَت و پهن تاریخ»، فرهنگ امروز، س ۳، ش ۱۵، تابستان ۱۳۹۵، ص ۹۸-۱۰۰.
- جم، پدرام. «دختری درون قلعه است؛ قلعه دخترها و داستان‌هایشان»، دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۷، ش ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸، ص ۱۲۹-۱۴۷.
- حسینی، عطاءالله، بابایان، کاترین (زیر نظر). «تحلیل الگوهای آموزشی و تربیتی در تاریخ میانه ایران و عصر صفویه و بررسی تأثیر آنها بر انزوای اجتماعی زنان»، تاریخ ایران، ش ۷۱، زمستان ۱۳۹۱-بهار ۱۳۹۲، ص ۳۸-۸۵.
- خیراندیش، عبدالرسول. «نقد و نظر درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی‌ماه ۱۳۸۲، ص ۳۷-۴۳.
- دهباشی، علی. «یادگارنامه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی: مردی از تبار تاریخ و فرهنگ»، بخارا، ش ۴۶، آذر و دی ۱۳۸۴، ص ۱-۵۰.
- رنجبر، محمدعلی. «پارادایم‌شناسی تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۸، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۳۷-۵۶.
- زندیه، حسن. از پاریز تا پردیس، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- عزیزی، حسین. «جایگاه علمی زنان در تاریخ‌نگاری مسلمین»، پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، ش ۲۵، ۱۳۹۴، ص ۸۵-۱۰۲.
- فصیحی، سیمین. جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی، تهران: نشر نوند، ۱۳۷۲.
- کتابنامه آثار زنان ایران. تهران: سازمان زنان ایران، ۱۳۴۹.
- نجاریان، محمدرضا، صادقی بهنویی، سودابه. «اشارات ادبی در کتاب مار در بتکده کهنه باستانی پاریزی»، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، ۱۳۹۴، ص ۸۸-۱۰۸.
- Mathee, Rudi April. "In Memoriam, Mohammad Ebrahim Bastani-Parizi (1925-2014)", Perspectives on History, *The Newsmagazine of the American Historical Association*, April 2015, online: www.historians.org.